

دیوید باربر

تاریخ موسیقی

آن طور که باید تدریس شود
(باخ، بتهوون، و باقی بروبچه‌ها)

طراح

دیو دانلد

ترجمه

مهستی بصیر، تیسافرن میرفخرایی



فهرست

۹	به جای مقدمه ناشر
۱۳	معرفی کوتاه نویسنده و طراح و مترجمان
۱۵	یادداشت نویسنده

آغاز ماجرا

۱۷	موسیقی اولیه
----	--------------

کم کم به جایی می‌رسیم

۲۵	ژوسکین
۲۹	پالسترینا
۳۶	جزوالدو

چند انگلیسی

۴۱	برد
۴۵	گلارک
۴۷	پرسل

برآمدن سبک باروک

۵۳	مونته‌وردی
۵۹	ویوالدی
۶۶	باخ
۸۰	هندل

چند نمونه از کلاسیک‌ها

۹۳	هایدن
۱۰۱	موتسارت

رومانتیک‌ها

۱۰۹	بتهوون
۱۱۶	واگنر
۱۲۶	برامس

لیدها را دنبال کنید

۱۳۱	شوبرت
۱۳۷	شومان

روس‌ها می‌آیند، روس‌ها می‌آیند

۱۴۳	پنج گردن کلفت
۱۵۱	چایکوفسکی

تاریخی خلاصه و مهم‌ها از اپرا

۱۵۷	اپرا
-----	------

آشوبی که اکنون در آن هستیم

۱۶۷	استراوینسکی
۱۷۱	شوئنبرگ
۱۷۵	باغبان‌های روستاهای انگلستان
۱۸۱	آیوز

از این جا به کجا می‌رویم؟

۱۸۵	کیچ
۱۹۰	مؤخره

به جای مقدمه ناشر*

مثل این‌که زمانش رسیده است که آن‌چه را مسر سِلِر^۱ و ییتمن^۲ بر سر تاریخ انگلستان آوردند کسی هم بر سر تاریخ موسیقی یا سرگذشت موسیقی دانان بیاورد. کتاب مذکور اثری است درباره تاریخ انگلستان با عنوان ۱۰۶۶ میلادی و باقی قضا یا^۳، و به یاد داریم که در آن زمان که جولیوس سزار به خاک بریتانیا قدم رنجه فرمود آن‌چه دید ساکنانی بود و سسه بر سروصورت کشیده (لق لُقو، مَفَنگی، مردنی، و مفلوک)، درحالی‌که رومیان، ابرقدرت آن زمان، به خاطر تربیت و مدارج دانش و سامانه‌های عالی شان بسیار والا و معزز به حساب می‌آمدند. دولت علیه انگلستان در آن زمان شاهانی داشت با نام‌هایی همچون کَناس و... چه عرض کنم. اما دیوید باربر، نویسنده کتابی که در دست دارید،

* ترجیح دادیم، به جای هر مقدمه و دیباچه‌ای، خلاصه آن‌چه را آنتونی برجس (Anthonony Bergess) (۱۹۱۷-۱۹۹۳) رمان‌نویس، منتقد، و نماینده‌نویس معروف بریتانیایی درباره این کتاب نوشته است به نظر خوانندگان برسانیم. از همکارمان آقای اکبر افسری که زحمت ترجمه این مقدمه را متقبل شد بسیار سپاس‌گزاریم. — ناشر.

1. Messer Sellar 2. Yeatman

۳. 1066 and All That، این کتاب که ظاهراً در نیمه دوم قرن بیستم منتشر شده است تاریخ انگلستان را به صورتی فکاهی و خنده‌آور ترسیم کرده است. تصور می‌کنم اگر با رستم‌التواریخ، اثر رستم‌الحکمای خودمان مقایسه شود بی‌مورد نباشد. — م.

موفق به پرداخت داستانی خنده‌آورتر از آنچه شده است که آن کلاسیک قدمایی بر سر حقایق تاریخی آورد.

چیزی که در این زمینه می‌خواهم بگویم این است که آنچه شما به آن می‌خندید حقیقت دارد و در این نوشته‌های کوتاه تنها یک حقیقت هم وجود ندارد بلکه حقایق بسیاری در آن‌ها نهفته است. اگر باربر می‌گوید ریچارد واگنر در ۱۸۱۳ متولد شد شما این واقعیت را می‌پذیرید. و در دانشنامه بیست جلدی موسیقی گروو، اگر مایل باشید، می‌توانید آن را ببینید. اما اگر قیمت گراف دانشنامه را هم به کناری بگذاریم، آنچه را باربر به ما می‌گوید، در آن بیست جلد از اوضاع و احوال واگنر نخواهید یافت. اگر باربر می‌گوید پرستش بهار استراوینسکی نخستین بار در ۱۹۱۳ در پاریس اجرا شد، لازم نیست در این مورد با پدر بنده که در آن زمان در پاریس بوده است مشورت کنید. در عین حال، باربر چیزهایی به ما می‌گوید که در آن بیست جلد نیست. مثلاً این که کسی که تاریخ موسیقی را می‌خواند می‌بایست تاریخ عقل و جنون آن را یکجا بخواند.

من مقدمه خود را بر این کتاب که به زودی متن آن بر سر خواننده آوار می‌شود، بدون توجه به آن که توازنش به اندازه جنونی است که در متن هست می‌نویسم. منظورم این است که شما باید ذهن‌تان را برای دست و پنجه نرم کردن با هنری آماده کنید که در درجه نخست نمی‌داند علت وجودی‌اش چیست؟ به عبارت دیگر، ما می‌دانیم که همبرگر یا روابط دوستانه به چه خاطر است و به چه درد می‌خورد، اما هدف موسیقی را نمی‌دانیم. دست بر قضا (بیشتر از باربر شوخی نمی‌کنم)، امروز صبح ساعت پنج از خواب بیدار شدم، زیرا سرفه امانم را بریده بود و همسرم را از خواب بیدار کرده بود. در این بامداد علی‌الطالع یک دفعه متوجه شدم که تنها کاری که می‌شود کرد ساختن یک قطعه موسیقی فوگ است. باری یک فوگ سرهم کردم

سپس پستیچی آمد و نسخه آماده به چاپ همین اثری را که در دست شماست آورد.

قطعه فوگ من در A مینور و برای آواز چهارنفره بود و این دومین فوگ بود که ظرف یک هفته ساختم. اما خدا خودش می‌داند چرا دست به این کار زدم. بدیهی است این فوگ‌ها روح حضرت باخ را بیدار نکرد. خلاصه، کتاب باربر ثابت می‌کند که من در دیوانگی خویش تنها نیستم. اما آن کار وضع را بهتر کرد؛ سرفه‌هایم قطع شد.

باری صمیمانه‌ترین ستایش من به اثری است استادانه؛ این کار باربر را به خاطر حقایق‌اش بخوانید، نه به خاطر فکاهی بودنش. وقتی آن را می‌خوانید واقعاً با گستره‌ای از تاریخ موسیقایی آشنا می‌شوید. این که باور داشته باشید چه فایده‌ای دارد، بحث دیگری است. لااقل این که با پریشانی و بلبشویی و حتی بی‌اخلاقی جامعه پول‌پرست و مقام‌پرست تا حدودی آشنا می‌شوید.